

آثار الحق

گفتارهایی از

نور علی الهی

جلد اول

گردآورنده: دکتر بهرام الهی

فہرست

گفتار ۱ تا ۱۰۸	صفحہ ۱	سلوک	پیشگفتار
گفتار ۱۰۹ تا ۲۸۹	۴۰	ایمان و علم سلوک	فصل اول:
گفتار ۲۹۰ تا ۴۱۹	۸۶	رویہء سالک	فصل دوم:
گفتار ۴۲۰ تا ۵۵۶	۱۲۴	خداپرستی	فصل سوم
گفتار ۵۵۷ تا ۶۷۷	۱۵۶	قوانین و قواعد سلوکی	فصل چہارم:
گفتار ۶۷۸ تا ۷۲۴	۱۹۱	ذکر و عبادت	فصل پنجم:
گفتار ۷۲۵ تا ۷۵۷	۲۰۸	خودشناسی۔ خداشناسی	فصل ششم:
گفتار ۷۵۸ تا ۸۲۲	۲۱۹	روح	فصل ہفتم:
گفتار ۸۲۳ تا ۸۸۱	۲۳۷	نفس	فصل ہشتم:
گفتار ۸۸۲ تا ۹۲۱	۲۶۰	کمال	فصل نہم:
گفتار ۹۲۲ تا ۱۰۲۱	۲۷۶	عالم آخرت۔ حساب و کتاب	فصل دہم:
گفتار ۱۰۲۲ تا ۱۰۹۲	۳۰۸	خلقت	فصل یازدہم:
گفتار ۱۰۹۳ تا ۱۱۱۹	۳۴۵	خواب	فصل دوازدہم:
گفتار ۱۱۲۰ تا ۱۲۱۰	۳۵۱	خانوادہ	فصل سیزدہم:
گفتار ۱۲۱۱ تا ۱۲۵۹	۳۷۰	خواص موجودات و حکم	فصل چہارم:
گفتار ۱۲۶۰ تا ۱۳۲۳	۳۷۹	اسلام	فصل پانزدہم:
			فصل شانزدہم:

آثار الحق

گفتار ۱۳۲۴ تا ۱۳۹۲	۳۹۸	قرآن	فصل هفدهم:
گفتار ۱۳۹۳ تا ۱۴۵۴	۴۳۰	حضرت علی (ع)	فصل هیجدهم:
گفتار ۱۴۵۵ تا ۱۴۷۴	۴۴۷	حضرت حسین (ع)	فصل نوزدهم:
گفتار ۱۴۷۵ تا ۱۵۶۷	۴۵۶	انبیاء و اولیاء و صلحا	فصل بیستم:
گفتار ۱۵۶۸ تا ۱۷۰۵	۴۹۱	مرام اهل حق	فصل بیست و یکم:
گفتار ۱۷۰۶ تا ۱۷۶۷	۵۲۵	بزرگان اهل حق	فصل بیست و دوم:
گفتار ۱۷۶۸ تا ۱۸۴۸	۵۵۲	حضرت حاج نعمت الله	فصل بیست و سوم:
گفتار ۱۸۴۹ تا ۲۰۸۲	۵۸۷	استاد	فصل بیست و چهارم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصل اول

سلوک

گفتار ۱

شعار دینی من اینست که نسبت به همه مهربان باشم، در حق تمام مردم خیرخواه باشم، هرگز درصدد انتقام بر نیایم و بدکسی را نخواهم. همیشه درصدد خدمت باشم، مخصوصاً نسبت به اشخاصی که به من بدی می‌کنند، حتی نمی‌گذارم قلباً هم رنجش کسی از دلم بگذرد.

در مقابل انجام وظیفه بی‌اندازه سخت‌گیر هستم، نسبت به خودم بیشتر سخت‌گیر هستم و یادم نمی‌آید برای امور شخصی به کسی خواهش کرده باشم یا از قدرت خودم استفاده کرده باشم.

گفتار ۲

دائر مدار عرفان بر همین است که انسان بفهمد برای چه موجود شده؟ در این موجودیتش چه وظیفه‌ای دارد؟ و هدفش چیست؟
موجودیت، تفضل و فیض بزرگی است از طرف واجب‌الوجود بر

فصل اول

موجودات. همانطور که تجلی آفتاب بر ماوراء خود حتماً باید باشد، فیاضیت الهی هم به همان قیاس است، النهایه فیاضیت خداوند بالا رده است؛ اراده می‌فرماید برای اینکه بزرگواریش ایجاب می‌کند فیاض باشد.

فیاض چیست؟ فیاضیت آنست که از عدم، یعنی شَرّ مطلق به وجود می‌آورد؛ و باید یک سیر ابتدا و انتهائی وجود داشته باشد تا موجود به قوام موجودیتش برسد. پس هر موجودی باید ابتدائی داشته باشد، بعد فواصلی طی کند تا به انتهای که کمالش است برسد. از عالم بالا مقرر می‌شود موجودی بواسطه علت و سبب ایجاد شود، چون از بالاست پس نزول میکند. بعد، از پائین سیر کمالش شروع میشود تا برسد به کمالش و قابلیت پیدا کند که به آن فیض واجب‌الوجودی برسد.

برای هر موجودی، یک سیر تکاملی تعیین شده است. تا پیش از مرحله بشریت، مقررات خاص طبیعی برای موجودات مقرر فرموده، بدین ترتیب^۱: از مجموع مرحله جمادات اثراتی گرفته میشود، نبات به وجود می‌آورد. از مجموع اثرات نباتات اثراتی پدید می‌آید، حیوان به وجود می‌آورد... تا اینجا افراد مطرح نیست و مجموع است که اثراتی می‌دهد. به بشر که رسید دارای چهار قوه میشود (جماد و نبات و حیوان و بشر). از مرتبه بشر به بعد، فرد مطرح است و باید هر فرد بشر گردش مظهرات^۲ «دون به دون» را طی کند تا به کمال برسد. البته به این نکته هم باید توجه داشت تا هر بشری انسان نشود یعنی دارای روح ملکوتی نگردد سیر تکامل را شروع نمیکند؛ زیرا ممکن است بشری موقتاً یا تا پایان عمر دارای روح ملکوتی نشود^۳. شروع سیر کمال هم از وقتی است که انسان به بلوغ و رشد برسد. وقتی هزار عالم را طی کرد، عالم هزار و یکی عالم کمال است و فواصل را سیر کمال می‌نامند. یک بشر ممکن است در اثر جدیت در همان بشر اولی هزار عالمش طی بشود و به کمالش

۱- برای توضیح کامل‌تر به کتاب معرفت‌الروح تألیف نورعلی‌الهی (صفحه ۹۱ مبحث سیر تکامل بطریق قوس صعودی) مراجعه شود.

۲- برهان‌الحق تألیف نورعلی‌الهی، چاپ سوم، صفحه ۱۷۲.

۳- حاشیه برحق‌الحقایق، تألیف نورعلی‌الهی، ۱۳۴۶ صفحه ۵۷ اشخاص تن خاک روح خاک.

برسد و یا ممکن است هزار دون بیاید و يك عالم هم طی نکند، بستگی به کوشش فرد و استعدادش دارد چنانکه از حضرت پیغمبر می پرسند چه دراز روزی است این پنجاه هزار سال^۴؟ میفرماید: «به خداوندی که محمد را خلقت کرده، برای بعضی اشخاص به اندازه اینکه من دو رکعت نماز بخوانم طول می کشد تا به کمال برسند».

چند چیز است که جزو پنجاه هزار سال حساب نمی شود: ۱- شخصی که به علت معصیت جریمه شده و مدتی حیوان می شود. ۲- بچه ای که چله گیر شود، یعنی قبل از چهل روز بمیرد، حتی اگر يك ثانیه هم بعد از چله زنده باشد سر دون حساب است. بعد از پنجاه هزار سال تکلیف قطعی تعیین میشود.

در چند جای قرآن اشاره به کمال دارد؛ بعد از وصف بهشت میرسد به آنجا که رجوع میشود به خدا، منظور همان کمال است و مافوق آن دیگر تصور نمیتوان کرد. پس در زندگی این دنیا، انسان باید مانند مسافری باشد که در راه است و ضرب الاجلی دارد که به مقصد برسد و متوجه هیچ طرفی نیست مگر اینکه زودتر به منزل برسد، یعنی به آن مطلوبی که برایش مقرر کرده است برسد. پس اگر مطلوبمان معلوم شد، آنوقت میدانیم برای چه کوشش کنیم. ولی اگر مقصد خودمان را ندانیم طالب مجهول مطلق شده ایم و نمیتوانیم به جایی برسیم؛ مانند گردونه ای که دور خودش بچرخد و به جایی نرسد.

هدفمان این باید باشد که آنچه دستورات است رفتار کنیم و به کمال برسیم. دستورات هم این است: آنچه نیکی است و تمام پیغمبران از طرف خدا امر کرده اند رفتار کنیم و آنچه بدی است و تمام پیغمبران نهی کرده اند رفتار

۴- در مکتب نورعلی الهی «مکتب سیر کمال» عقیده بر اینست که خلقت روح مثل جریان آب چشمه قطع نمیشود؛ و پنجاه هزار سالی که قرآن به آن اشاره دارد، مدت ضرب الاجل برای هر روحیست. یعنی در این مدت، هر روح ملکوتی هزار قالب یا لباس بشری در اختیار دارد و در دنیای خاکی باید گردش کند تا محیط های گوناگون را دریابد و حجت بر او تمام شود. اگر در این مدت یا کمتر، توانست هزار عالمی که برای هوانسانی مقرر شده طی کند به کمال میرود و گرنه، بعد از پایان دوره اتمام حجت برای او وامثال او قیامت برپا میشود و تکلیف ابدیشانرا معین میکنند. آنچه گفته شد مربوط به بشر خاکبست، بقیه موجودات و کروات دیگر حساب مخصوص بخود دارند. (نگارنده)